

بلاغت

درس نوزدهم

استاد: سرکار خانم فرخی

آموزشیار: آقای یزدانی

بخش اول

مقدمه :

در درس گذشته با اقسام مسندالیه آشنا شدیم و احوال مسندالیه که در علم بلاغت بررسی می شود را نام برد و به یکی از آن احوال یعنی «ذکر مسندالیه» پرداخت و اغراضی که بر ذکر آن بار می شود را تحلیل کردیم. در این درس با یکی دیگر از احوال مسندالیه یعنی «حذف مسندالیه» آشنا شده و پس از بیان دسته ای از نکات پیش نیاز درباره حذف به بحث «اسباب حذف» خواهیم پرداخت. حذف مسندالیه علاوه بر قرینه نیازمند غرض حذف نیز می باشد که یافتن آن نیاز به آگاهی بر زبان و استعمالات عربی و ذوق دارد و هر چه این غرض ظریف تر باشد لطافت کلام بیشتر است. از آنجا که حذف اسلوبی بسیار دقیق و ادبی می باشد فراگیری این درس برای دانش پژوهان علم بلاغت اهمیت فراوانی دارد.

فصل دوم : حذف مسندالیه

اهداف فصل

- انتظار می رود دانش پژوه عزیز پس از فراگیری این درس به پرسش های زیر پاسخ بدهد.
- شرط حذف در کلام چیست؟
- اصل در مسندالیه ذکر است یا حذف؟
- در چه جایگاه های مسندالیه حذف می شود؟ و اسباب و اغراض حذف آن را شرح دهید.
- یافتن اغراض حذف مسندالیه بر چه پایه ای استوار است؟
- حذف مبتدا در چه جایگاه های فراون است؟ چرا؟

برای ورود به بحث به آیات زیر توجه کرده و پس از اندیشیدن در معنای آنها درخواست های زیر را انجام دهید.

- مسندالیه های مذکور را مشخص کنید.
- مسندالیه های محذوف را یافته و سبب حذف آنها را بیان کنید.
- قراین مسندالیه های که حذف شده اند را بیابید.

۱. «فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صَرَّةٍ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ»^۱.
۲. «قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ قَالَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنَّ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ»^۲.
۳. «صُمُّ بَكْمٌ عُمَىٰ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ»^۳.
۴. «عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ»^۴.
۵. «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»^۵.

حذف در کلام، شیوه ای دقیق و لطیف می باشد و گاهی در فصاحت از ذکر سبقت گرفته و به درجه ای می رسد که سکوت از بیان، بیان آن رساتر می شود و این انسان را شگفت زده می کند. درس حاضر تلاش می کند تا شیوه درست پیمودن این مسلک را به دانش پژوهان عزیز ارائه نماید تا به راحتی بتوانند به سؤالات در این زمینه پاسخ درست بدهند.

برای ورود بهتر به بحث به مقدمات زیر دقت کنید.

۱. حذف نیازمند دو امر است :
- أ) قابلیت مقام برای حذف که در گرو شناخت شنونده نسبت به محذوف است و این شناخت با وجود قرینه پدید می آید.
- ب) انگیزه برای رجحان حذف بر ذکر^۶

۱. ذاریات / ۲۹

۲. شعراء / ۲۳ و ۲۴

۳. بقره / ۱۸

۴. انعام / ۷۳

۵. فاتحه / ۱

۶. ر. ک المطول

۲. وجود قرینه، شرط صحت برای حذف است و وجود غرض برای حذف، شرط بلاغت می باشد؛ ظرافت غرض سبب زیادی لطافت کلام است.

۳. گاهی در کلام یک لفظی حذف شده و لفظ دیگری جای آن می نشیند در این صورت نیازی به قرینه بر محذوف نیست ولی حذف باید بر پایه ی انگیزه ای باشد. (مانند حذف فاعل و جانشینی مفعول به جای آن)

۴. محذوف بر دو قسم است :

أ) محذوفی که هنگام اعراب، حذفش ظاهر است مانند «أهلاً و سهلاً»^۱.

ب) محذوفی که هنگام اعراب، حذفش ظاهر نیست مگر با ملاحظه معنی و توجه به ناتمامی آن بدون در نظر گرفتن محذوف.

حذفی که در بلاغت از آن سخن به میان می آید قسم دوم می باشد و قسم اول خارج از بحث بلاغی است.

^۱ . در این مثال، ناصب این دو کلمه محذوف است و چون هر معمولی نیازمند عامل است حذف آن ظاهر است.

۵. حذف مسندالیه در برخی جاه‌ا از جمله «باب نعتِ مقطوع» واجب می شود مانند «الحمدُ لله الحمیدُ»؛ مرحوم رضی در این باره می فرماید : «حذف مبتدا واجب شده تا دانسته شود که در اصل صفت بوده سپس به قصد مدح یا ذم و یا ترحم از صفتیت قطع شده است و اگر مبتدا ظاهر شود این نکته فهمیده نمی شود.»^۱

۶. اصل در مسندالیه، ذکر است زیرا رکن کلام می باشد ولی گاهی به سبب وجود قرینه بر آن و تحقق غرض نسبت به حذفش، از این اصل عدول شده و حذف می شود.

اسباب حذف مسندالیه

۱. اختصار : در جایی که با قرینه، ظاهر باشد مانند آیه شریفه : «فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ»^۲ یعنی «أنا عَجُوزٌ عَقِيمٌ».

۲. پاک نگاه داشتن مسندالیه از به زبان آمدن برای بزرگداشت آن : مانند حذف مسندالیه ها در آیه مبارکه «قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ قَالَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْتَمِعُونَ قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ قَالَ إِنْ رَسُولُكُمْ أَلَّذِي أَرْسَلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ»^۳ که گفتگوی حضرت موسی علیه السلام با فرعون را نقل می کند.

زرکشی صاحب کتاب البرهان در این باره می گوید : در این آیات در سه جا پیش از واژه «رَبُّ» مبتدا حذف شده است (اول پیش از «رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا»، دوم پیش از «رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ» و سوم پیش از «رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا») زیرا حضرت موسی علیه السلام حال متکبرانه فرعون را درک کرد و فهمید که سوال وی از روی نشان دادن هیبت و بزرگی خود می باشد پس حضرت بر افعال خاص خداوند که می توان به آنها استدلال کرد اکتفا نمود تا به فرعون بفهماند که خداوند همانندی ندارد و او شنونده و بینا است.^۴

این حذف به سبب این می باشد که نام خاص خداوند در برابر نااهلان برده نشود.

۳. پاک نگاه داشتن زبان خود از مسندالیه برای کوچک کردن آن : مانند حذف مسندالیه در آیه مبارکه «صُمُّ بَكْمٌ عُمَى فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ»^۵ که به معنای «هُم صُمُّ بَكْمٌ عُمَى» می باشد و ضمیر به منافقین بر می گردد.

^۱ . شرح الکافی، مرحوم رضی استرآبادی، مؤسسه الصادق، تهران، ج ۱، ص : ۲۷۲

^۲ ذاریات/ ۲۹

^۳ . شعراء/ ۲۳ تا ۲۸

^۴ . البرهان، زرکشی، دار إحياء الكتب العربیة، ج ۳، ص : ۱۰۷

^۵ . بقره/ ۱۸

۴. مشخص بودن مسندالیه : مانند حذف مسندالیه در آیه مبارکه «عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ»^۱ که پر واضح است که این مسند تنها سزاوار خداوند سبحان می باشد.^۲ و البته گاهی این تعیین، ادعایی (یعنی به ادعایی متکلم) می باشد.^۳

۱۷/۲

بخش سوم

۵. معهود بودن مسندالیه : مانند حذف مسندالیه در آیه شریفه «وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَمَاءُ أَقْلِعِي وَ غِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ»^۴ که مسندالیه عبارت از «السيفنه» می باشد که با توجه به آیات پیشین شناخته شده است در نتیجه در لفظ نیامده است.

۶. مشهور بودن : مانند حذف مسندالیه در آیه مبارکه «قَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ»^۵ بنابر اینکه ضمیر در «تَوَارَتْ» به خورشید (الشمس) که در کلام ذکر نشده برگردد.^۶

ضابطه برای کشف اغراض حذف

برای بدست آوردن اغراض حذف، باید بر قواعد زبان عربی و استعمالات آن آگاهی یافته و همچنین اغراضی که بلاغیون ذکر کرده اند را فرا گرفت تا بتوان با بکارگیری ذوق و کمک قراین و شناخت جایگاه کلام، غرض مناسب با هر مقام را دریافت.

اغراض فراوانی برای حذف ذکر کرده اند که از جمله موارد آن می توان به «اعتماد بر دلالت عقل، آزمودن آگاهی شنونده، امکان انکار در صورت نیاز، حفظ سجع، قافیه و فاصله^۷، تبعیت از استعمال^۸ و پنهان کردن امری از غیر مخاطب» اشاره کرد.

۱. انعام/ ۷۳

۲. ر. ک کتاب «الإنقان» از سیوطی

۳. مانند اینکه مرید یک آقایی بگوید: «جواد» و به سبب ادعایی روشن بودن مسندالیه، آن را حذف کند.

۴. هود/ ۴۴

۵. ص/ ۳۲

۶. شیخ طوسی (ره) در کتاب «التبیان فی تفسیر القرآن» می گوید: «و قوله (حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ) معناه توارت الشمس بالحجاب یعنی بالغیوب و جاز

الإضمار قبل الذكر، لأنه معلوم»؛ ر. ک التبیان فی تفسیر القرآن، شیخ طوسی، دار إحياء التراث العربی، ج ۸، ص: ۵۶۰

۷. فاصله در نثر همان قافیه در شعر است.

۸. استعمالی که از عرب وارد شده و مسندالیه حذف شده است مانند افعال مدح و ذم.

یکی از اقسام مسندالیه مبتدا می باشد که در جایگاه های زیر فراوان حذف می شود.

۱. در جواب استفهام : مانند آیه مبارکه «وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْخُطْمَةُ نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ»^۱ که به معنای «هی نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ» می باشد و همچنین آیه شریفه «وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ فِي سِدْرٍ مَخْضُودٍ»^۲.
 ۲. پس از حرف «فاء» ی جواب : مانند آیه کریمه «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهِ»^۳ که به معنای «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَعَمَلُهُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فِإِسَاءَتُهُ عَلَيْهِ» می باشد و آیه شریفه «فَإِنْ لَمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ»^۴ که به معنای «فَمَصِيبُهَا فَطَلٌّ» یا «فَالذِي يَصِيبُهَا فَطَلٌّ» می باشد.
 ۳. پس از «قول» : مانند آیه مبارکه «وَقَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ»^۵ که به معنای «هی أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ» بوده و همچنین آیه شریفه «بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ»^۶ که به معنای «هو اى ما اتى به من القرآن أضغاث أحلام» می باشد.
 ۴. جایی که خبر به معنای صفت باشد : مانند آیه کریمه «صُمُّ بُكْمٌ عُمَّىٰ فُهِمٌ لَا يَرْجِعُونَ»^۷ و آیه «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ»^۸.
- به نظر می رسد که غرض از حذف مسندالیه (مبتدا) در همه موارد بالا، تنها اختصار و ایجاز باشد زیرا مسندالیه با توجه به قراین روشن است.

تمرین

اسباب حذف مسندالیه را در آیات شریفه زیر بیان کنید.

۱. «قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِنْ ذَلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ»^۹.
۲. «لَا يَغُرَّتْكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَا وَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ»^{۱۰}.
۳. «سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»^۱.

^۱ . همزه / ۵ و ۶

^۲ . واقعه / ۲۷ و ۲۸

^۳ . فصلت / ۴۶

^۴ . بقره / ۲۶۵

^۵ . فرقان / ۵

^۶ . انبیاء / ۵

^۷ . بقره / ۱۸

^۸ . توبه / ۱۱۲

^۹ . مائده / ۶۰

^{۱۰} . آل عمران / ۱۹۶ و ۱۹۷

٤. «كَانَتْهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنْ نَّهَارٍ بَلَاغٌ فَهَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الْفَاسِقُونَ».^٢

^١ . نور / ١

^٢ . احقاف / ٣٥

۱. حذف نیازمند دو امر است یکی قابلیت کلام برای حذف که با وجود قرینه فراهم می شود و دیگری انگیزه ای که حذف را رجحان ببخشد.
۲. وجود قرینه، شرط صحت و وجود غرض، شرط بلاغت برای حذف می باشد؛
۳. اگر محذوف، جانشین داشته باشد نیازی به قرینه ندارد ولی نیاز به انگیزه بر حذف دارد.
۴. در بلاغت از محذوفی سخن گفته می شود که در اعراب ظاهر نباشد.
۵. حذف مسند الیه در برخی جاها مانند باب نعت مقطوع واجب است.
۶. اصل در مسندالیه ذکر است ولی گاهی با وجود قرینه و غرض از آن عدول شده و حذف می شود.
۷. اسباب حذف مسندالیه عبارتند از : «اختصار، پاک نگه داشتن مسندالیه، پاک نگه داشتن زبان خود، مشخص بودن مسندالیه، معهود بودن مسندالیه و مشهور بودن مسندالیه».
۸. گام اول برای یافتن اغراض حذف مسندالیه آشنایی با زبان عربی و استعمالات آن می باشد و گام بعدی آشنایی با اغراضی می باشد که بلاغیون برای حذف بیان کرده اند و در پایان تطبیق آنها بر مقام های گوناگون با بهره گیری از ذوق و قراین.
۹. مبتدا (که یک قسم مسندالیه می باشد) در جایگاه های زیر فراوانی مانند «جواب استفهام، پس از حرف فای جواب، پس از ماده قول و جایی که خبر به معنای صفت باشد.